



## **Effective and ineffective parenting styles in the process of moral education of children: A qualitative study**

Fatemeh Hosseini<sup>1</sup>  
Samira Hashemi<sup>2</sup>

 0009-0006-5806-6186  
 0000-0001-9250-7199

### ***Abstract***

This study explores effective and ineffective parenting styles in the moral education of children, employing a qualitative approach guided by descriptive phenomenology. The research participants comprised religious parents with at least one child, with data saturation achieved after 12 months of collection. In-depth interviews were conducted to capture experiential perspectives, and the data were analyzed using Colaizzi's (1978) seven-step phenomenological method. The analysis revealed seven key themes characterizing effective parenting styles: congruence, value creation, purposeful dialogic orientation, intimate communication, strengthened family bonds, balanced disciplinary approaches, and developmental attitude dynamics. Conversely, seven themes emerged for ineffective parenting: inconsistency, devaluation, ineffective dialogue, insincere communication, traumatic family dynamics, imbalanced discipline, and attitudinal stagnation. These findings enrich the literature on parenting and moral education, offering practical insights for parent education programs. The study underscores the nuanced interplay between parenting practices and children's moral development, providing a framework for future research and intervention design.

**Keywords:** Children, Parenting, Effective and ineffective parenting styles, Moral education, Phenomenology.

---

1- Master of Family Counseling, Department of Counseling, Refah University, Tehran, Iran  
Fatemeh.hosseini30676@gmail.com  
2- Assistant Professor, Department of Psychology and Counselling, Farhangian University, Tehran, Iran. (Corresponding Author)  
Samira.hashemi.m@gmail.com



## سبک‌های فرزندپروری کارآمد و ناکارآمد در فرایند تربیت اخلاقی کودکان: مطالعه‌ای کیفی

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۳/۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۴/۲۹

فاطمه حسینی<sup>۱</sup>

سمیرا هاشمی<sup>۲</sup>

### چکیده

هدف از این پژوهش بررسی سبک‌های فرزندپروری کارآمد و ناکارآمد در فرایند تربیت اخلاقی کودکان است. این مطالعه به روش کیفی و با استفاده از پدیدارشناسی تفسیری انجام شد. جامعه مورد مطالعه، والدین دارای حداقل یک فرزند بودند. جمع‌آوری داده‌ها در مصاحبه دوازدهم به اشیاع رسید. برای استخراج دیدگاه‌های مبتنی بر تجربه از مصاحبه‌های عمیق استفاده شد. داده‌ها با روش هفت‌مرحله‌ای کلاسی (۱۹۷۸) تحلیل گردید. تحلیل تجارب مشارکت‌کنندگان منجر به شناسایی ۷ مضمون اصلی شاخص‌های سبک فرزندپروری کارآمد شامل همخوانی، ارزشمندی، فضای گفتگوی جهت‌دهنده هدفمند، فضای ارتباطی صمیمانه، پیوندهای خانوادگی رشددهنده، فضای انضباطی متعادل، پویایی‌های نگرشی تکوین‌بخش و ۷ مضمون اصلی از شاخص‌های سبک فرزندپروری ناکارآمد شامل عدم همخوانی، بی‌ارزش‌سازی، فضای گفتگوی ناکارآمد، فضای ارتباطی غیرصمیمانه، پیوندهای آسیب‌زا، فضای انضباطی نامتعادل و پویایی‌های نگرشی بازدارنده گردید. یافته‌های این پژوهش به غنای ادبیات پژوهش در حوزه فرزندپروری و تربیت اخلاقی کودکان افزوده و در راستای آموزش‌های والدینی می‌تواند استفاده شود.

### کلیدواژه‌ها

کودکان، فرزندپروری، سبک فرزندکارآمد و ناکارآمد، تربیت اخلاقی، پدیدارشناسی.

۱- دانش‌آموخته کارشناسی ارشد، دانشکده رفاه، تهران، ایران.  
Fatemeh.hosseini30676@gmail.com

۲- استادیار گروه آموزش روان‌شناسی و مشاوره، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران.  
Samira.hashemi.m@gmail.com

## مقدمه

دوران کودکی دوره مهمی است که در آن همه مفاهیم درست و نادرست باید توسعه یابد. مطالعات نشان داده است که والدین از زمانی که کودکانشان ۱۸ تا ۲۴ ماهه است، شروع به پرورش ارزش‌های اخلاقی در کودکان می‌کنند (Hammond & Carpendale, 2014). یکی از مهم‌ترین ابزارهای پرورش ارزش‌های اخلاقی، تربیت اخلاقی است که نقش بسیار مهمی در سلامت روح انسان و سعادت دنیوی و اخروی فرد و جامعه دارد (نجفی و محمدی، ۱۳۹۶). تربیت اخلاقی یکی از انواع تربیتی است که شامل برانگیختن، ارائه و به‌کارگیری سازوکارهای آموزشی و پرورشی به‌منظور دریافت گزاره‌های اخلاقی و شناخت و شناسایی فضایل و رذایل و ایجاد بستری برای ایجاد نگرش و روی آوردن به اخلاق حسنه و اطاعت است. طبقه‌بندی و عینیت بخشیدن به ارزش‌های اخلاقی برای رسیدن به سعادت و کمال در شأن جسمانی و معنوی انسان بوده است (دهدست، ۱۳۹۹). دین اسلام تربیت اخلاقی را آخرین و عالی‌ترین سطح تربیت می‌داند و معتقد است با تحقق این مهم تعلیم و تربیت به پایان می‌رسد که عوامل و مؤلفه‌های مختلفی بر چگونگی شکل‌گیری این مهم، در خانواده و فرایند فرزندپروری تأثیرگذار است و نقش مذهب و دین به‌دلیل ایجاد جهان‌بینی ویژه‌ای در انسان، از جمله اساسی‌ترین آنهاست (صابرکیوج، ۱۳۹۵). از آنجایی که اخلاق کودک از سنین پایین شروع به رشد می‌کند، والدین کسانی هستند که باید نقش خود را در شکل دادن به اخلاق فرزندان خود با روش‌های فرزندپروری ایفا کنند (Langier, 2016). فرزندپروری یک فعالیت پیچیده است که شامل روش‌ها و رفتارهای خاصی است که به‌صورت فردی یا در تعامل با یکدیگر بر رشد کودک تأثیر می‌گذارد. در واقع اساس روش فرزندپروری نشان‌دهنده تلاش والدین برای کنترل و اجتماعی کردن فرزندان است (Baumrind, 1991). ژانگ<sup>۲</sup> (۲۰۱۱) معتقد است همان‌گونه که برای اداره جامعه، راه‌های مختلفی وجود دارد، برای مدیریت و کنترل فعالیت‌های فرزندان هم، راه‌های گوناگونی وجود دارد و این راه‌های متفاوت برای مدیریت و تربیت فرزند را سبک فرزندپروری گویند. همچنین فرزندپروری یکی از وظایف سنگین در چهارچوب خانواده است که والدین را موظف

3. Zang, R. B

می‌سازد تا برای کودک امنیت ایجاد کنند. بسیاری از متخصصان معتقدند که والدین برای مراقبت مؤثر از کودکان نیازمند دانش خاص، نگرش‌ها، مهارت‌ها و توانایی‌های فردی هستند و این دانش به‌وسیله آموزش‌های فرزندپروری حاصل می‌شود (Hagen & Ogden, 2017). فرزندپروری نقش مهمی در رشد روانی اجتماعی کودکان دارد (Rose et al., 2017) و اهمیت خانواده و محوریت والدین به‌عنوان مهمترین پایگاه رشد توسعه بهزیستی کودکان و سلامت جامعه در مرکز توجه قرار دارد (Lee & McLanahan, 2015; Cates, Weisleder & Mendelsohn, 2016). نحوه عملکرد خانواده از طریق اعمال سبک‌های فرزندپروری<sup>۴</sup> متفاوت، نتایج متفاوتی را در این زمینه به همراه داشته است (Foy-Phillips & Lloyd-Evans, 2011). نادوزیه و همکاران<sup>۵</sup> (۲۰۱۸) نشان دادند که باورهای مذهبی تأثیر قابل‌توجهی بر پذیرش سبک‌های فرزندپروری دارد. دلیل اصلی این است که دینداری به‌عنوان فرهنگی تلقی می‌شود که ارزش‌ها و رفتارهای والدین را برای راهنمایی فرزندانشان شکل می‌دهد. همچنین سبک‌های فرزندپروری می‌تواند، تربیت و رشد اخلاقی کودکان را پیش‌بینی کند (اسمعیلی و دیگران، ۱۴۰۰). در پژوهشی دیگر عملکرد والدین و ویژگی‌های رابطه والد-کودکی در شکل‌گیری رفتار، عاطفه اخلاقی و شناخت در کودکان بررسی شد. شیوه‌های فرزندپروری، مانند نظم، گفتگو و الگوسازی باید توسط والدین در آموزش قوانین و معیارهای اخلاقی استفاده شود. مؤثرترین سبک فرزندپروری گزارش شده، استفاده از سبک مقتدرانه است که با استفاده از آن می‌توان ارزش‌های اخلاقی (Soorya & Sunil, 2018) و استدلال اخلاقی (Pinquar & Anton, 2021) را درونی کرد.

در دین اسلام نیز به روش فرزندپروری مقتدرانه تأکید شده است؛ زیرا والدین مقتدر با فرزندان خود با صمیمیت و محبت رفتار می‌کنند و با ابراز محبت به فرزندان رابطه خود را با آنها تقویت می‌کنند. اگرچه این روش تربیتی نزدیک‌ترین روش به روش تربیتی اسلامی است؛ اما بین این دو روش تفاوت‌هایی وجود دارد. فرزندپروری مقتدرانه با تقاضاها و پاسخ‌های زیاد والدین مشخص می‌شود، درحالی‌که در روش تربیتی اسلامی، خواسته‌ها و پاسخ‌ها بر محور تعادل است. عموماً والدین مقتدر سعی می‌کنند فرزندان به

4. parenting Styles

5. Nnadozie et al

اهدافی که برای آنها در نظر گرفته‌اند، دست یابند؛ ضمن اینکه اهدافی که خداوند برای تربیت فرزندان مطرح کرده نیز مورد توجه قرار می‌گیرد. علاوه بر این، گاهی اوقات اقتدار غیرمنطقی موجب طرد شدن، پرخاشگری و افسردگی کودکان می‌شود، درحالی‌که در برخورد مسئولانه، رفتار و تعامل والدین با فرزندان بر اساس موازین شرعی است. در روش فرزندپروری مقتدرانه، مسامحه‌کارانه، آسان‌گیرانه و مستبدانه بیشتر بر نوع شخصیت والدین و نگرش آنها تأکید می‌شود درحالی‌که در شیوه مسئولانه از یکسو معیار شیوه فرزندپروری فطرت خود فرزند است و والدین موظفند براساس آن برنامه‌ریزی تربیتی کنند و از سوی دیگر احکام و راهنمایی‌های هدایتی و تربیتی انبیا را به کار گیرند که براساس آموزه‌های الهی مطرح کرده‌اند (پرچم و دیگران، ۱۳۹۱).

به‌طورکلی در حوزه تعلیم و تربیت، یکی از مهم‌ترین، تأثیرگذارترین و درعین‌حال دشوارترین مباحث، تربیت اخلاقی و اخلاقی بارآوردن کودکان است؛ از این رو پرداختن به مباحث اخلاق و به تبع آن تربیت اخلاقی از جایگاه رفیعی برخوردار است. همچنین از آنجاکه روش فرزندپروری در شکل‌گیری رشد و تکامل کودک در دوران کودکی و متعاقب آن ویژگی‌های شخصیتی و رفتاری او تأثیر به‌سزایی دارد، و در فرایند تربیت اخلاقی والدین، جهت‌گیری‌های مذهبی متأثر از تعالیم دینی بر چگونگی شکل‌گیری سبک‌های والدگری نقش دارد؛ بنابراین پژوهش حاضر در صدد روشن ساختن این مسئله است که سبک‌های فرزندپروری کارآمد و ناکارآمد در فرایند تربیت اخلاقی کودکان چگونه است؟

## روش

پژوهش حاضر به روش کیفی با استفاده از رویکرد پدیدارشناسی انجام شده است. در ابتدا با مطالعه و بررسی ادبیات پژوهش پیرامون فرزندپروری و تربیت اخلاقی، سؤالات مصاحبه نیمه‌ساختاریافته طراحی شد، به‌صورتی‌که با صحت محتوا و کفایت سؤالات تدوین شده بتوان مؤلفه‌های سبک‌های فرزندپروری در فرایند تربیت اخلاقی کودکان را از نظر والدین جویا شد. ساختار این مصاحبه به‌گونه‌ای بود که در آن سؤالات و موضوعات از پیش تعیین‌شده در آن وجود داشت و با وجود اینکه سؤالات به‌صورت منظم از

شرکت‌کنندگان پرسیده می‌شد، محقق می‌تواند به نکاتی فراتر از پاسخ سؤالات دست یابد. از آنجایی که جامعه و نمونه در تحقیقات کیفی بر هم منطبق است، جامعه مورد مطالعه والدین خانواده‌هایی هستند که به صورت در دسترس و هدفمند وارد پژوهش شده‌اند و این ملاک‌ها را داشتند: حداقل یک فرزند در سن کودکی داشته باشند؛ با فرزند زندگی کنند؛ خانم و آقا با هم زندگی کنند و متارکه نکرده باشند؛ تعارضات شدید زناشویی نداشته باشند؛ دارای مشکلات روان‌شناختی نباشند و از داروهای مربوط به سلامت روان استفاده نکنند. تعداد نمونه در اکثر روش‌های تحقیق کیفی از پیش تعیین نشده است و بسته به موضوع و فرایند تحقیق می‌تواند متفاوت باشد. ولی در مطالعات پدیدارشناسی فرایند جمع‌آوری اطلاعات عمدتاً شامل مصاحبه‌های عمیق با بیش از ۱۰ نفر تا حد اشباع است که در پژوهش حاضر نمونه ۱۲ نفر بود.

به منظور حفظ مسائل اخلاقی در این پژوهش موارد زیر رعایت شده است. به شرکت‌کنندگان در پژوهش در مورد روش و مزایا، اهداف و همچنین داوطلبانه بودن شرکت در پژوهش توضیحاتی کلی داده شد. رضایت شرکت‌کنندگان در مصاحبه برای ضبط جلسه مصاحبه اخذ شد. همچنین به شرکت‌کنندگان از مخفیانه ماندن اطلاعات به دست آمده اطمینان داده شد. به علاوه از مصاحبه‌کننده‌ها تقاضا شد به منظور ارتقای کیفیت پژوهش به تمامی سؤالات به صورت دقیق و بدون جانبداری پاسخ دهند. در ابتدای هر جلسه پژوهشگر در مورد چگونگی مصاحبه و اهداف پژوهش حاضر توضیح داده و به شرکت‌کنندگان اطمینان داده شد که متن مصاحبه کاملاً محرمانه خواهد ماند و در توصیف و تحلیل نهایی نامی از شرکت‌کنندگان برده نخواهد شد. به منظور رسمی و قانونی نمودن رضایت مصاحبه‌شوندگان برای شرکت در مصاحبه، از هر کدام از آنان یک موافقت‌نامه کتبی اخذ گردید. لازم به ذکر است مصاحبه‌شوندگان آزاد بودند، هر زمان که اراده کنند از انجام مصاحبه انصراف دهند. برای تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه نیز از روش هفت‌مرحله‌ای کلایزی<sup>۱</sup> (۱۹۷۸) استفاده شد. به این صورت که در مرحله اول، ابتدا متن مصاحبه‌ها از روی صدای ضبط شده، کلمه به کلمه یادداشت و به

محیط ورد منتقل و منظم شد. سپس متن هر مصاحبه بارها خوانده شده تا به تجارب و احساسات مشارکت‌کننده احاطه پیدا کنیم. در مرحله دوم، همه عبارات معنی‌دار، مشخص شد. در مرحله سوم، سعی کردیم از عبارات مهم هر مصاحبه، مضمون فرعی که بیانگر قسمت اساسی ادراک مشارکت‌کننده است، استخراج شود. در مرحله چهارم، سعی شد تا براساس وجوه مشترک مفاهیم، دسته‌های موضوعی در قالب مضامین اصلی مشخص گردد. در مرحله پنجم، نتایج برای توصیف جامع از پدیده در قالب مضامین هسته‌ای، به‌منظور یکپارچه‌سازی داده‌ها به‌دست آمد. در مرحله ششم، توصیف جامعی از ادراک مشارکت‌کنندگان و معیارهای وی مشخص شد. در مرحله هفتم و نهای مفاهیم استخراج شده برای مشارکت‌کننده فرستاده شد و از صحت برداشت‌ها اطمینان حاصل گردید.

## یافته‌ها

تعداد افراد حاضر در این پژوهش ۱۲ نفر بود که اطلاعات جمعیت‌شناختی شرکت‌کنندگان در جدول شماره ۱ آمده است.

جدول شماره ۱: اطلاعات جمعیت‌شناختی شرکت‌کنندگان

تعداد فرزند	تحصیلات	سن	مصاحبه‌شونده
۲	کارشناسی ارشد	۳۷	۱
۳	کارشناسی	۴۴	۲
۲	کارشناسی	۴۰	۳
۴	کارشناسی ارشد	۶۳	۴
۲	کارشناسی ارشد	۳۴	۵
۳	کارشناسی	۴۳	۶
۲	کارشناسی	۵۰	۷
۲	کارشناسی ارشد	۳۲	۸
۲	دیپلم	۴۷	۹
۱	کارشناسی ارشد	۳۳	۱۰
۲	کارشناسی ارشد	۴۸	۱۱
۱	کارشناسی ارشد	۳۴	۱۲

همان‌گونه که در جدول شماره ۱ مشاهده می‌شود سن افراد بالای ۳۲ سال بود. از نظر سطح تحصیلات، بیشتر افراد دارای مدرک کارشناسی ارشد بودند که نشان می‌دهد افراد مصاحبه‌شونده از تحصیلات بالا و درک بالایی جهت پاسخگویی به سؤالات بهره‌مند بودند. با توجه به تجزیه و تحلیل مصاحبه‌ها، نتایج به دست آمده از دسته‌بندی داده‌ها به روش تحلیل مضمون و تحلیل داده به صورت مضامین اصلی و فرعی نوشته شد. یافته‌های حاصل از این پژوهش در جدول‌های شماره ۲ و ۳ ارائه شده است.

جدول شماره ۲: مضامین فرعی و اصلی تبیین‌کننده شاخص‌های سبک‌های فرزندپروری ناکارآمد (در تربیت اخلاقی)

مضامین اصلی شاخص‌های سبک فرزندپروری ناکارآمد (در تربیت اخلاقی کودکان)	مضامین فرعی شاخص‌های سبک فرزندپروری ناکارآمد (در تربیت اخلاقی کودکان)
عدم همخوانی	عدم هماهنگی گفتار و عمل والدین عدم هماهنگی جهت تربیتی والدین با یکدیگر اولویت انجام عمل درست در فرزند
بی‌ارزش‌سازی	عدم توجه به علایق و استعدادهاى فرزند عدم توجه به نیازها و احساسات فرزند مقایسه‌های بی‌معیار تبعیض در محبت تبعیض در نظرخواهی
فضای گفتگوی ناکارآمد	سرزنش کردن گوشزد کردن دائمی رفتار درست تکانشی و هیجانی صحبت کردن با تهدید صحبت کردن
فضای ارتباطی غیرصمیمانه	بی‌احترامی استدلال‌های ناکارآمد پذیرش مشروط به انجام عمل درست عدم توجه به کارهای خوب کوچک نبخشیدن و ماندن در کار نادرست

مضامین اصلی شاخص‌های سبک فرزندپروری ناکارآمد (در تربیت اخلاقی کودکان)	مضامین فرعی شاخص‌های سبک فرزندپروری ناکارآمد (در تربیت اخلاقی کودکان)
	<p>نامنی و عدم اعتماد عدم انعطاف پذیری ایجاد عذاب وجدان از بالا به پایین نگاه کردن امر و نهی کردن مسئولیت‌زدایی افراطی</p>
پیوندهای خانوادگی آسیب‌زا	<p>روابط والدینی مخرب فضای سرد خانوادگی</p>
فضای انضباطی نامتعادل	<p>روحیه تغافل نداشتن چهارچوب‌دهی‌های افراطی قاعده‌گذاری‌های غیرمنعطفانه عمل تنبیه بدون محبت تنبیه‌های نامتناسب با عمل کنترل و نظارت افراطی قواعد منصفانه نداشتن مواجهه نامناسب با رفتارهای خارج از معیار عدم بخشش و ماندن در کار نادرست فرزند</p>
پویایی‌های نگرشی بازدارنده	<p>عدم آگاهی از مسئولیت خود در مقابل فرزندان عدم توجه به رشد و تغییر خود ظرفیت محدود در سختی‌ها</p>
<p>«تحمیل کردن و تلقین کردن» در بستر شاخص‌های فوق هسته محوری سبک فرزندپروری ناکارآمد در فرایند تربیت اخلاقی کودکان</p>	

جدول شماره ۳: مضامین فرعی و اصلی تبیین‌کننده شاخص‌های سبک‌های فرزندپروری کارآمد (در تربیت اخلاقی)

مضامین اصلی شاخص‌های سبک‌های فرزندپروری کارآمد (در تربیت اخلاقی کودکان)	مضامین فرعی شاخص‌های سبک فرزندپروری کارآمد (در تربیت اخلاقی کودکان)
همخوانی	هماهنگی گفتار و عمل والدین هماهنگی جهت تربیتی والدین با یکدیگر اولویت انجام عمل درست خود والدین
ارزشمندی‌سازی	جهت‌دهی حق‌محور به علایق و استعدادها جهت‌دهی حق‌محور به نیازها و احساسات‌ها عدم مقایسه فرزند عدالت در محبت نظر نظرخواهی با توجه به اقتضائات و توانمندی‌های فرزند
فضای گفتگوی جهت‌دهنده هدفمند	زبان مشترک ایجاد کردن صبورانه هدایت کردن حمایت‌گرانه جهت‌دهی کردن پذیرش ضعف‌ها و محدودیت رشدی و تربیتی فرزند توجه به زبان محبتی فرزند توضیح دادن
فضای ارتباطی صمیمانه	ارتباط مبتنی بر حق تکریم و احترام تحسین کار خوب کوچک محبت دائمی و پذیرش نامشروط فرزند پذیرش خواسته‌های معقول فرزند مسئولیت‌خواهی مناسب توسعه تعامل و همکاری
پیوندهای خانوادگی رشدهنده	روابط بین شخصی سالم والدین فضای نشاط‌آور خانوادگی
فضای انضباطی متعادل	روابط بین شخصی سالم والدین فضای نشاط‌آور خانوادگی

مضامین اصلی شاخص‌های سبک‌های فرزندپروری کارآمد (در تربیت اخلاقی کودکان)	مضامین فرعی شاخص‌های سبک فرزندپروری کارآمد (در تربیت اخلاقی کودکان)
	تناسب تشویق و تنبیه با عمل شفافیت قواعد و قوانین تبیین مجازات و تنبیه قبل از نقض قرار تشویق و تنبیه متعادل برخورد قاطع ولی مهربان بخشیدن و گذشتن از عمل نادرست فرزند نشان دادن پیامد عمل به‌عنوان تنبیه کار نادرست نظارت دائمی از دور
پویایی‌های نگرشی تکوین‌بخش	آگاهی از ابعاد مسئولیت خود آمادگی برای تغییر حفظ تعادل در سختی‌ها
«تکوین بخشی» در بستر شاخص‌های فوق هسته محوری سبک فرزندپروری کارآمد در فرایند تربیت اخلاقی کودکان	

چنانچه در جدول‌های شماره ۲ و ۳ مشخص است، بر اساس مصاحبه‌های انجام شده و داده‌های حاصل از آن، ۳۸ مضمون فرعی ناکارآمد، ۷ مضمون اصلی ناکارآمد، ۳۷ مضمون فرعی کارآمد و ۷ مضمون اصلی کارآمد شناسایی شده است که در ادامه به شرح مختصری از آنها می‌پردازیم:

#### مضمون‌های ناکارآمد:

- عدم همخوانی: مضمون اصلی عدم همخوانی شامل عدم هماهنگی گفتار و عمل والدین، عدم هماهنگی جهت تربیتی والدین با یکدیگر، اولویت انجام عمل درست در فرزند است. در این زمینه مصاحبه‌شونده شماره ۴ می‌گوید: «من یک چیزی میگم و پدرشون برخلاف عقیده‌ام با فرزندمون صحبت میکنه».
- بی‌ارزش‌سازی: مضمون اصلی مربوط به بی‌ارزش‌سازی شامل عدم توجه به علایق و

- استعدادهای فرزندان، عدم توجه به نیازها و احساسات فرزندان، مقایسه‌های بی‌معیار، تبعیض در محبت و تبعیض در نظرخواهی است.
- به‌طورمثال مصاحبه‌شونده شماره ۵ می‌گوید: «فرزندم دوست دارد رشته هنر بخواند؛ اما در خانواده ما جایگاهی ندارد، به فرزندم میگم مثل دختر خالت دکتر بشو».
- فضای گفتگوی ناکارآمد: فضای گفتگوی ناکارآمد شامل سرزنش کردن، گوشزد کردن دائمی رفتار درست، تکانشی و هیجانی صحبت کردن، با تهدید صحبت کردن است.
  - مصاحبه‌شونده شماره ۱۱ در این زمینه می‌گوید: «وقتی یه کار اشتباهی می‌کنه، سخت می‌تونم فراموش کنم، حداقل زود این کار را نمی‌تونم انجام بدم و بهش هر وقت یادم میاد، میگم که پسر بی توجه و بی‌فکریه».
  - فضای ارتباطی غیرصمیمانه: مضمون اصلی مربوط به فضای ارتباطی غیرصمیمانه شامل بی‌احترامی، استدلال‌های ناکارآمد، پذیرش مشروط به انجام عمل درست، عدم توجه به کارهای خوب کوچک، نبخشیدن و ماندن در کار نادرست، ناامنی و عدم اعتماد، عدم انعطاف‌پذیری، ایجاد عذاب وجدان، از بالا به پایین نگاه کردن، امر و نهی کردن و مسئولیت‌زدایی افراطی است.
- در این راستا مصاحبه‌شونده شماره ۹ عنوان می‌کند: «کار نادرستی حتی کوچک انجام دهد از چیزهایی که دوست دارد او را محروم می‌کنم».
- پیوندهای آسیب‌زا: مضمون اصلی پیوندهای آسیب‌زا شامل مضامین فرعی روابط والدینی مخرب و فضای سرد خانوادگی است.
- مصاحبه‌شونده شماره ۷ می‌گوید: «خیلی پیش میاد که خونه مون توش سکوت مطلقه و کسی به کسی کار نداره».
- فضای انضباطی نامتعادل: فضای انضباطی نامتعادل شامل روحیه تغافل نداشتن، چهارچوب‌دهی‌های افراطی، قاعده‌گذاری‌های غیرمنعطفانه، عمل تنبیه بدون محبت، تنبیه‌های نامتناسب با عمل، کنترل و نظارت افراطی، قواعد منصفانه نداشتن، مواجهه نامناسب با رفتارهای خارج از معیار، عدم بخشش و ماندن در کار نادرست فرزندان است.
- به‌طورمثال مصاحبه‌شونده شماره ۱۰ می‌گوید: «اگر کار اشتباهی انجام بده برای اینکه

متوجه اشتباهش بشه همون موقع در هر جایی باشه باهاش به شدت برخورد می‌کنم تا دیگه کار نادرست را تکرار نکند».

- پویایی‌های نگرشی بازدارنده: مضمون اصلی مربوط به پویایی‌های نگرشی بازدارنده شامل عدم آگاهی از معانی تعهد خود، عدم آگاهی از مسئولیت خود در مقابل فرزندان، عدم توجه به رشد و تغییر خود، ظرفیت محدود در سختی‌ها، محدود دیدن دامنه انتخاب فرزند است.

در این راستا مصاحبه‌شونده شماره ۱۲ می‌گوید: «بعضی وقتا فکر می‌کنم شاید انقدر زود از کوره در میرم، مشکل من و پسر من هست که حرف گوش نمی‌کنه... ولی نشده تا حالا اروم‌تر باشم».

#### مضمون‌های کارآمد:

- همخوانی: مضامین فرعی شناسایی شده مربوط به همخوانی شامل هماهنگی گفتار و عمل والدین، هماهنگی جهت تربیتی والدین با یک دیگر، اولویت انجام عمل درست خود والدین است.

در این راستا مصاحبه‌شونده شماره ۱۱ می‌گوید: «کارهایی که به عنوان یک والد می‌خوام از بچه انجام بده یا انجام نده خودم قبلش انجام داده باشم یا حتی اگر تا قبلش هم انجام نمی‌دادم زمانی که می‌خوام به بچه‌ها بگم خودم را ملزم به انجام دادن این کار کنم؛ به عنوان مثال دروغ گفتن داد زدن یا هر چیزی دیگه‌ای که بهش به عنوان خوب و بد بهش تعلق می‌گیره سعی کردم آن را خودم انجام بدم یا انجام ندیم، برای اینکه خوب بودن و بد بودنش رو بچه‌ها با عمل من متوجه بشوند. چون بیان ما خیلی وقتا بچه‌ها این رو نمی‌گیرن اگر رفتار ما خلاف این بیان مون باشه».

- ایجاد ارزشمندی‌سازی: ایجاد ارزشمندی‌سازی شامل جهت‌دهی حق‌محور به علایق و استعدادها، جهت‌دهی حق‌محور به نیازها و احساسات‌ها، عدم مقایسه فرزند، عدالت در محبت، نظرخواهی با توجه به اقتضائات و توانمندی‌های فرزند می‌باشد.

مصاحبه‌شونده شماره ۱۱ می‌گوید: «برای انجام کار و ممکنه یک کار خیر باشه اون‌ها را

مشارکت می‌دم. مشارکت دادن بچه‌ها هم مسئولیت‌پذیری‌شون رو بهتر می‌کنه و هم احساس ارزشمندی می‌کنند و ضمن اینکه یک کار خوب رفتاری هم حتی اگر باشد اون رو مثال می‌زنم یعنی دیدن نقاط مثبت و تشویق و تحسین کار و حرف خوب و رفتار خوب یعنی ایجاد یک شرایط و انگیزه؛ مثلاً بهشون مسئولیت می‌دم، بهشون می‌سپارم. یه وقتایی هم انجام نمیدن و مجبورم خودم انجام بدم ولی با این حال می‌گم من می‌دونم شما بهتر از من انجام می‌دید».

- فضای گفتگوی جهت‌دهنده: مضمون اصلی فضای گفتگوی جهت‌دهنده شامل مضامین فرعی زبان مشترک ایجاد کردن، صبورانه هدایت کردن، حمایت‌گرانه جهت‌دهی کردن، پذیرش ضعف و محدودیت رشدی و تربیتی فرزند، توجه به زبان محبتی فرزند و توضیح دادن است.

مصاحبه‌شونده شماره ۱ می‌گوید: «روی حرفش فکر می‌کنم خواسته‌اش را در صورت معقول بودم می‌پذیرم و در صورت نامعقول بودن بهش توضیح می‌دم یا حرف سعی می‌کنم قانع‌اش کنم؛ مثلاً دخترم ی جا‌هایی نمی‌خواد وسیله‌اش رو به کسی بدهد. باهاش صحبت می‌کنم می‌گم اگر بدی دوستت هم خوشحال می‌شه یا ی چیز دیگه‌ات رو بده که باهم بهترن خوش بگذره؛ اما زیاده‌روی هم ممنوع سعی کن با دوستت حرف بزنی و قانعش کنی».

- فضای ارتباطی صمیمانه: این مضمون اصلی مضامین فرعی ارتباط مبتنی بر حق، تکریم و احترام، تحسین کار خوب حتی کوچک، محبت دائمی و پذیرش نامشروط فرزند، پذیرش خواسته‌های معقول فرزند، مسئولیت‌خواهی مناسب و توسعه تعامل و همکاری را شامل می‌شود.

مصاحبه شماره ۶ در این زمینه می‌گوید: «خیلی دوستانه اگر با بچه‌ها رفیق و دوست باشه. خیلی بیشتر حرف رو گوش می‌کنند تا اینکه حکم می‌کنه من خودم این‌ها را تجربه کردم. وقتی حکم می‌کنم پسر دومم اکثر بیشتر مقاومت می‌کنه؛ اما اگه از در دوستی و با ملایمت بشینیم گفتگو کنیم. وقتی بهش فکر می‌کنه اگر اعتراف هم نکنه قیافش یکم حالت مظلوم میشه. من خودم می‌فهمم که به اشتباهش پی برده».

- پیوندهای خانوادگی رشددهنده: این مضمون اصلی شامل روابط بین شخصی سالم

والدین و فضای نشاط آور خانوادگی است.

در این زمینه مصاحبه‌شونده شماره ۸ می‌گوید: «برام خیلی اهمیت داره که بهترین دوستاشون من و پدرش باشیم. خودمون دو نفر باهاشون تفریح کنیم و برای تفریحشون وقت گذاشته شود».

مصاحبه‌شونده شماره ۷ نیز بیان می‌کرد: «یکی از این کارها این است که حتماً تمام اعضا خانواده شام را با هم میل کنند، حتی اگر بیش از حد گرفتار هستند. چون اگر این کار را انجام ندهیم افراد خانواده از یکدیگر دور می‌شوند».

• فضای انضباطی متعادل: فضای انضباطی متعادل شامل مضامین فرعی تناسب تشویق و تنبیه با عمل، شفافیت قواعد و قوانین، تبیین مجازات و تنبیه قبل از نقض قرار، تشویق و تنبیه متعادل، برخورد قاطع ولی مهربان، بخشیدن و گذشتن از عمل نادرست فرزند، نشان دادن پیامد عمل به‌عنوان تنبیه کار نادرست و نظارت دائمی از دور می‌شود.

برای مثال مصاحبه‌شونده شماره ۱۱ می‌گوید: «در واقع می‌شود گفت برای قوانین مختلفی که باید بچه‌ها رعایت کنند اونجا باید اقتدار به‌کار ببرم و آنجا که باید مهربانی باشه و یک ذره انعطاف و مهربانی باشه. اونجا سبک مهربانی سعی کردم سختگیری و سهل‌گیری جنبه اعتدالی به خودش بگیره که در واقع دو طرف افراط و تفریط نشود و سعی کردم همون جدیت باشد در عین اینکه مهربانی و تشویق و تحسین فرزندان باشد».

• پویایی‌های نگرشی تکوین‌بخش: این مضمون اصلی مضامین فرعی نگاه متعهد در همه امور، آگاهی از ابعاد مسئولیت خود، آمادگی برای تغییر و توسعه دامنه انتخاب‌های فرزند را دربرمی‌گیرد.

مصاحبه‌شونده شماره ۱۲ می‌گوید: «در برابر فرزندم سعی کردم تمام مسئولیت‌های یک مادر انجام دهم» و مصاحبه‌شونده شماره ۳ می‌گوید: «اگر رفتار ناشایستی انجام دادم سعی کردم آن رفتار را در خودم تغییر دهم تا الگوی خوبی برای فرزندم باشم».

## بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر مطالعه سبک‌های فرزندپروری کارآمد و ناکارآمد در فرایند تربیت اخلاقی کودکان بود. به‌منظور پاسخگویی به این سؤال از روش تحقیق کیفی پدیدارشناسی توصیفی استفاده شد. با ۱۲ والد مصاحبه‌های عمیق صورت گرفت. بر اساس تحلیل داده‌ها و مصاحبه‌های ۱۲ مشارکت‌کننده پدر و مادر در این پژوهش پدیدارشناسی، ۷ مضمون اصلی سبک فرزندپروری ناکارآمد و ۷ مضمون اصلی سبک فرزندپروری کارآمد در پاسخ به این سؤال پژوهشی آشکار گردید.

نتایج به‌دست آمده نشان داد که در بخش سبک فرزندپروری ناکارآمد در فرایند تربیت اخلاقی، ۳۷ مضمون فرعی شناسایی شدند. در این بخش ۷ مضمون اصلی با عناوین عدم همخوانی، بی‌ارزش‌سازی، فضای گفتگو ناکارآمد، فضای ارتباطی غیرصمیمانه، پیوندهای خانوادگی آسیب‌زا، فضای انضباطی نامتعادل، پویایی‌های نگرشی بازدارنده ناشی از سبک فرزندپروری ناکارآمد شناسایی شدند. می‌توان دریافت یکی از مهم‌ترین دغدغه‌هایی که خانواده‌ها در این دوره و زمانه دارند، تعلیم و تربیت فرزندان است. بدیهی است که در خانواده‌ها بحث تربیت اخلاقی مهم و دارای ارزش بسیاری است. همچنین در بخش سبک فرزندپروری کارآمد در فرایند تربیت اخلاقی از نگاه خانواده‌های مذهبی ۳۸ مضمون فرعی شناسایی شدند. در این بخش ۷ مضمون اصلی با عناوین همخوانی، ایجاد ارزش‌سازی، فضای گفتگوی جهت‌دهنده هدفمند، فضای ارتباطی صمیمانه، پیوندهای خانوادگی رشددهنده، فضای ارتباطی متعادل، پویایی‌های نگرشی تکوین‌بخش شناسایی شدند.

یافته‌های این پژوهش همسو با نتایج پژوهش عادل‌پور (۱۳۹۶) است که به بررسی و مقایسه سبک‌های فرزندپروری از دیدگاه اسلام و دانشمندان غربی پرداخته و نشان داده است که از میان روش‌های غربی تربیت فرزند مطابق با دیدگاه بامریند، سبک فرزندپروری مقتدرانه نزدیک‌ترین روش به روش تربیتی مسئولانه در اسلام است. باوجود این کاستی‌هایی در روش تربیتی مقتدرانه به‌ویژه در باب نگرش والدین نسبت به فرزند و فرزندپروری وجود دارد که روش تربیتی مسئولانه را در راستای هدف نهایی تربیت انسان بر مبنای نگرش توحیدمداری آن را از بین برده است. همچنین در قرآن و احادیث بر سبک

فرزندپروری ویژه‌ای تأکید شده است تا بدین وسیله فرزند به‌درستی و بر اساس همان فطرت انسانی که خدا به وی عطا کرده است، تربیت شود و شخصیتش در جنبه‌های مختلف روانی، عاطفی، معنوی، فردی و اجتماعی به‌صورت هنجار رشد کند. این سبک، سبک مسئولانه نام دارد (ربانی/صفهانی، ۱۳۹۴). پیامبر اکرم(ص) در این زمینه می‌فرماید: «روش مناسب روشی است که بتواند شخصیت نیکو در فرزند فراهم آورد؛ ویژگی‌های روانی، هیجانی و رفتاری هماهنگ با فطرتش برایش فراهم سازد تا درست و عاقلانه بیندیشد، زندگی را شایسته تدبیر کند و روابط خوب و انسانی با دیگران برقرار سازد».

همخوانی یعنی هماهنگی و در یک راستا بودن افکار، گفتار و رفتار یک فرد. شیوه‌های تربیتی والدین، تحت تأثیر ویژگی‌های شخصیتی و سیستم اعتقادی آنان است. اگر بین والدین اصول فکری - دینی مشترکی نباشد، در روش‌های تربیتی‌شان نیز تضاد به‌وجود می‌آید و فرزندان قربانی این ناهماهنگی می‌شوند. خانواده‌ای که بر اثر تعارض رفتاری والدین، آشفته است؛ نمی‌تواند محیط روانی و روحی امنی را برای فرزندان ایجاد کند و آسیب‌هایی را نیز به‌دنبال دارد. نتایج این یافته با یافته‌های پژوهش شیردل و همکاران (۱۴۰۰) مطابقت دارد؛ مشکل هویت مذهبی، اختلاف‌نظر در ازدواج فرزندان، تعارض در تربیت فرزندان و کشاکش والدین در تعیین مذهب فرزندان اثرگذار است. همچنین نتایج این یافته با یافته‌های پژوهش علی‌اکبری و بابایی (۱۳۹۸) که والدین باید یک الگوی تعاملی تربیت واحد داشته باشند همخوانی دارد که به این نتیجه رسید هر اندازه اعتقادات والدین به یکدیگر شبیه باشد، رفتار تربیتی‌شان نیز شباهت بیشتری خواهد داشت. همچنین با یافته‌های پژوهش خانجانی و همکاران (۱۳۹۱) که والدین باید در رفتار خود برای ابراز محبت، برقراری ارتباط و واگذاری مسئولیت به فرزندان اتفاق‌نظر داشته باشند و با توافق یکدیگر، قوانینی برای تربیت فرزند در نظر بگیرند و اجرایی کنند؛ به‌طوری‌که فرزند نه با تفریط، دچار استرس و مشکلات روحی روانی شود و نه با افراط، لوس شود و ناهماهنگی رفتاری والدین باعث می‌شود که فرزندان در به‌کارگیری مهارت‌های اجتماعی ضعیف عمل کنند، همسو می‌باشد.

از مضامین دیگر این پژوهش ایجاد ارزشمندی‌سازی و بی‌ارزش‌سازی بود. ارزشمندی‌سازی

یعنی میزان اهمیتی است که برای خود و دیگران قائل می‌شویم. یکی از مشکلات خانواده‌های امروزی، وجود تضاد و اختلاف میان والدین با فرزندان است که ممکن است منجر به ایجاد اختلاف میان آنها و ایجاد مشکلات بزرگ‌تر و کمرنگ شدن رابطه عاطفی آنها شود.

درباره اختلاف نسل‌ها با یکدیگر، مفاهیم متعددی به کار رفته است. گاهی صحبت از تفاوت نسلی شده است. تفاوت اندک دو نسل در ارزش‌ها یا هنجارها یا در نگرش‌ها، طبیعی بوده و تقریباً در همه و زمان‌ها وجود داشته است. این تفاوت عمدتاً ریشه‌ای روان‌شناختی دارد و افراد در سنین مختلف به دلیل شرایط متفاوت عاطفی و روانی از یکدیگر بازشناخته می‌شود. اختلاف دو نسل بعضاً در مفهوم انقطاع یا گسست نسلی به کار برده می‌شود و آن عبارت از اختلافی در ارزش‌ها یا هنجارها و نگرش‌هاست که موجب جدایی نسل جدید از نسل قدیم و طغیان نسل جدید در برابر نسل قدیم می‌شود. در این وضعیت، غالباً نوجوانان و جوانان می‌کوشند تا آخرین پیوندهای خود را از والدین یا نسل بالغ بگسلند و اغلب در این راه به گردن‌کشی و طغیانگری می‌پردازند (آزادارمکی، ۱۳۸۹).

در زمینه دینی متأسفانه برخی والدین، فرزندان خود را در انجام مستحبات دینی یا برخی رفتارهای اجتماعی تحت فشار قرار می‌دهند که جرعه‌های مخالفت و اختلاف را روشن می‌کند. یکی از درگیری‌های والدین با نوجوانان هم تفاوت دیدگاه آنها به نوع پوشش و برخی رفتارهای اجتماعی است و تا زمانی که مرتکب حرام نشده‌اند، نمی‌توان با آنها تندی کرد یا انتظار داشت که مانند نسل‌های پیشین رفتار کنند. اگر اجبار در انجام مستحبات پسندیده بود، خداوند متعال به این روش سزاوارتر بود؛ درحالی‌که فرموده است: «قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَ الطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ (سوره اعراف: آیه ۳۲): بگو چه کسی زینت‌های خدا را که برای بندگان خود آفریده، حرام کرده و از رزق حلال و پاکیزه منع کرده است؟».

از مضامین دیگر پژوهش فضای گفتگوی جهت‌دهنده و فضای گفتگوی ناکارآمد بود. فضای گفتگوی جهت‌دهنده یعنی برقراری و حفظ ارتباط خوب با مخاطب که علاقه خود را به شخصیت، مشکلات، نظرها نشان دهد. افراط در سرزنش و بازخواست افراد، نه تنها اثر

بازدارنده ندارد بلکه موجب برافروخته شدن شعله‌های لجاجت و سرکشی می‌شود. اگر دو نسل با توجه به موارد افتراقی که دارند، نتوانند گسل‌های معرفتی، روحی، روانی، فرهنگی و شخصیتی که بین آنها پدید می‌آید را به‌درستی ترمیم کنند و همچنین نتوانند یک نوع ارتباط و گفتگوی معقول و منطقی بین خود ایجاد نمایند، چراغ رابطه بین آنها خاموش یا کم‌سو می‌شود و از هم دور می‌شوند (تیموری، ۱۳۸۷). فرزندان که با والدین خود درگیری بیشتری دارند، مشکلات برونی‌سازی و درونی‌سازی بیشتری دارند. سطوح پایین‌تر از عزت نفس، بهزیستی، و سازگاری پایین با مدرسه؛ و مصرف مکرر مواد را دارند. این ممکن است منعکس‌کننده فرایندهای دوطرفه باشد: درگیری فرزندان با والدین ممکن است منجر به سازگاری روانی اجتماعی کمتر شود و مشکلات سازگاری آنها ممکن است باعث درگیری بیشتر با والدین شود (Branje, 2018).

از رسول خدا(ص) روایت است: «اَكْرِمُوا اَوْلَادَكُمْ وَ اَحْسِنُوا اَدَابَهُمْ يُغْفَرْ لَكُمْ؛ فرزندان خود را احترام کنید و آدابشان را نیکو بگذارید که از رحمت الهی برخوردار شوید» (حرعاملی، ۱۴۰۲، ج ۱۵، ص. ۱۹۵).

از یافته‌های دیگر پژوهش فضای ارتباطی صمیمانه و فضای ارتباطی غیرصمیمانه بود. صمیمیت احساس نزدیکی و ارتباط است که فراتر از تماس فیزیکی است و ممکن است درک عاطفی، ذهنی و معنوی را برای هر رابطه‌ای به ارمغان بیاورد. صمیمیت در خانواده باعث ارضای بسیاری از نیازهای روحی و روانی اعضا می‌شود. نتایج مطالعه‌ای نشان داد که رابطه بین نسلی با تمام پیامدهای سلامت روان، از جمله علائم تنهایی، بی‌خوابی و افسردگی آنها ارتباط معناداری دارد (Ji & Fu, 2020). به‌علاوه فقدان تعاملات مثبت و درگیری کم والدین، به‌عنوان یک عامل خطر برای اختلال شدید شخصیت شناسایی شده‌اند (Fruzzetti et al., 2005). برخی مواقع والدین نسبت به رفتارهای خوب کودکان واکنشی نشان نمی‌دهند و فقط روی رفتارهای بد او متمرکز هستند؛ این امر باعث می‌شود کودک انگیزه‌ای برای ادامه رفتارهای خوب نداشته باشد. به‌نظر می‌رسد سازوکارهای صمیمت عاطفی که در آن حس انسجام، تاب‌آوری فردی بلکه جمعی/خانوادگی، و سایر ویژگی‌های شخصیتی تقویت می‌شوند، راهبردهای معناداری باشند که در فرزندپروری اثرگذار است.

یافته بعدی این پژوهش، پیوندهای خانوادگی رشددهنده و پیوندهای خانوادگی آسیب‌زا

بود. نتیجه پژوهش حاضر با پژوهش سالاری‌فر (۱۳۹۳) که با بررسی مستقیم متون اسلامی و با نگاهی جامع، به آسیب‌های روابط همسران پرداخته، همسو است. تعاملات اجتماعی رشددهنده در واقع به‌عنوان یک پیش‌بینی‌کننده مهم برای سلامت و بهزیستی ظاهر می‌شود (Miller et al., 2009). همچنین یک رابطه منسجم کودک و والدین، احساس حمایت و نزدیکی، شایستگی‌های اجتماعی و سازگاری اجتماعی بیشتری را تقویت می‌کند (Smetana, Campione-Barr & Metzger, 2006). یافته‌های مطالعات دیگر نشان می‌دهد که پیوندهای خانوادگی آسیب‌زا اغلب ناشی از بدرفتاری/سوءاستفاده (به‌عنوان مثال، فیزیکی، روانی، جنسی) و/یا بی‌توجهی فاحش است (Agllias, 2015; Scharp et al., 2015). در تبیین نتایج این یافته می‌توان گفت پیوندهای خانوادگی رشددهنده یعنی هنگامی که اعضای خانواده از با هم بودن لذت می‌برند، و درگیر علائق فرزند خود می‌شوند و زمان کافی برای یکدیگر اختصاص می‌دهند که موجب بروز رفتار بهتر در کودکان و تقویت رابطه بین والد-کودک می‌شود.

از یافته‌های دیگر پژوهش فضای انضباطی متعادل و فضای انضباطی نامتعادل بود. یافته‌های پژوهش لنداپ<sup>۷</sup> (۲۰۲۲) نشان داد که والدین می‌توانند توانایی یادگیری فرزندان خود را با استفاده کمتر از نظم و تنبیه بدنی ناسازگار بهبود بخشند. سهل‌انگاری والدین، استفاده متناقض از تنبیه بدنی و عدم استفاده از رفتارهای مثبت برخی از عواملی هستند که به احتمال زیاد با نتیجه یادگیری کودکان مرتبط هستند که با نتایج پژوهش حاضر همسو می‌باشد. فضای خانواده نه‌تنها بر سلامت روانی و کیفیت زندگی بلکه برای سازگاری و بهزیستی فردی اعضای خانواده نیز اثرگذار است (Grevenstein et al., 2018). فضای انضباطی متعادل از طریق تناسب داشتن و هماهنگ بودن شاخص‌های انضباطی با عمل فرزند باعث بهبود رابطه والد-فرزند می‌شود. درمقابل رفتارهای خصومت‌آمیز نامتعادلی که بیشتر بر اصل تنبیه استوار است به همراه سخت‌گیری و محدودیت شدیدی که نسبت به فرزندان اعمال می‌شود، موجب ایجاد احساس خصومت شدید در فرزندان می‌شود.

یافته نهایی پژوهش پویایی‌های نگرشی تکوین‌بخش و پویایی‌های نگرشی بازدارنده بود. نگرش پویا مجموعه‌ای است برای تحول و موفقیت که رسالت خود را در خوشبختی تمام

انسان‌ها می‌داند. نگرش یا دیدگاه، به طرز تفکر و دید شما نسبت به پیرامون شما تلقی می‌شود. در واقع اینکه شما جهان را چگونه می‌بینید، نگرش شما محسوب می‌شود. نتایج به‌دست آمده نشان داد که در بخش پویایی‌های نگرشی بازدارنده، ۳ مضامین فرعی شامل عدم آگاهی از مسئولیت خود در مقابل فرزندان، عدم توجه به رشد و تغییر خود، ظرفیت محدود در سختی‌ها شناسایی شدند.

با توجه به ارتباط وثیق بین عمل و نظر انسان، هرگونه تغییر در «بینش و نگرش» انسان به جهان بر روی «کنش» او نیز تأثیر می‌گذارد. به همین سبب است که برای تربیت افراد باید قبل از هر چیز، نوع نگاه آنها را تغییر دهیم تا اثرها این تغییر در اخلاق و رفتارشان مشاهده شود (عسکری‌نوشین، ۱۳۸۸). از پویایی‌های بزرگ‌ترها، اعم از والدین و مدیران جامعه، در زمینه تربیت فرزندان و نسل جدید، به‌ویژه تربیت اخلاقی آنهاست که وظایف و مسئولیت‌های بسیار سنگینی بر عهده آنها نهاده است. در دستورات دینی ما همان‌طور که بر احترام به پدر و مادر سفارش شده، بر وظایف آنها نیز تأکید شده است. همان‌گونه که والدین وظیفه دارند که برای فرزندان خود غذای سالم فراهم کنند و مانع از آسیب و بیماری جسمی آنان شوند، همچنین وظیفه دارند که غذای روحی، فکری و تربیتی سالمی برای آنان تهیه کنند و درباره سلامت تربیتی و اخلاقی آنان حساسیت داشته باشند؛ بنابراین، هرگونه بی‌تفاوتی والدین و دیگر بزرگ‌ترهای جامعه، علاوه بر تشدید آسیب‌ها، موجب عمیق‌تر شدن شکاف بین نسلی نیز می‌شود.

### پیشنهادات پژوهشی و کاربردی

چون در این پژوهش نقش پدر و مادر به‌صورت مجزا در زمینه تربیتی و فرزندپروری مورد بررسی قرار نگرفته است، همچنین مقتضیات سنی فرزندان در فرایند تربیت اخلاقی مورد پژوهش قرار نگرفته، پیشنهاد می‌شود در مطالعات بعدی این موضوعات مورد بررسی و تحقیق قرار گیرند.

از یافته‌های این پژوهش می‌توان در سرفصل‌های آموزش خانواده در مدارس و مراکز مشاوره بهره برد. همچنین مشاوران و مسئولان امور تربیتی در تدوین برنامه‌های

آموزشی و تربیتی خود می‌توانند از یافته‌های این پژوهش به‌خوبی استفاده کنند.

## منابع

### قرآن کریم

- آزاد ارمکی، تقی (۱۳۸۹). *جامعه‌شناسی خانواده ایرانی*. تهران: سمت.
- اسمعیلی، فرزانه؛ طهماسبی، سیامک؛ محمدی آریا، علیرضا و سلطانی پوریا، رضا (۱۴۰۰). بررسی ارتباط بین سبک‌های فرزندپروری با رشد اخلاقی کودکان پیش از دبستان با میانجی‌گری دلبستگی کودک. *مجله توانبخشی*، ۲۲(۳)، ۳۶۲-۳۷۷.
- پرچم، اعظم؛ فاتحی‌زاده، مریم‌السادات و الهیاری، حمیده (۱۳۹۱). مقایسه سبک‌های فرزندپروری بامریند با سبک فرزندپروری مسئولانه در اسلام. *پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی*، ۲۰(۱۴)، ۱۱۵-۱۳۸.
- تیموری، کاوه (۱۳۸۷). *تفاهم و تقابل نسل‌ها در نظام ارزش‌های پدران و پسران*. گردهمایی راهبردها و رویکردهای ساماندهی فرهنگی. تهران: نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- حر عاملی، محمدبن حسن (۱۴۰۲). *وسائل الشیعه*. مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان. خانجانی، زینب؛ باباپورخیرالدین، جلیل و جمشیدی مهرآباد، صفیه (۱۳۹۸). مقایسه اختلالات اضطرابی و سبک‌های دلبستگی در کودکان پرورش‌یافته به شیوه فرزندپروری اسلامی با سایر کودکان. *تربیت اسلامی*، ۱۴(۳۰)، ۲۱-۳۸.
- دهدست، کوثر (۱۳۹۹). طراحی و اعتبارسنجی الگوی فرزندپروری اخلاق‌محور مبتنی بر آرای علامه طباطبائی. *فصلنامه علمی پژوهش‌های مشاوره*، ۱۹(۷۵)، ۲۹۰-۳۲۶.
- ربانی اصفهانی، حوریه (۱۳۹۴). بررسی مقایسه‌ای مبانی تربیت و فرزندپروری از دیدگاه روان‌شناسی و اسلام. *فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات اخلاق کاربردی*، ۱۱(۳۹)، ۱۱۱-۱۳۷.
- سالاری‌فر، محمدرضا (۱۳۹۳). *طبقه‌بندی آسیب‌های روابط همسران در متون اسلامی*. *مطالعات اسلامی زنان و خانواده*، ۱، ۶۱-۷۸.

شیردل، الهام؛ حسنی، محمدرضا و حامی کارگر، فاطمه (۱۴۰۰). برساخت ازدواج بین مذهبی موفق و زمینه‌های شکل‌گیری آن: مطالعه کیفی بین زوجین استان سیستان و بلوچستان. *جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی*، ۸(۱۸)، ۳۷۳-۳۹۷.

صابر کیوج، اسماعیل (۱۳۹۵). پیدایش و بقای جامعه با تأکید بر نقش دین از منظر علامه طباطبایی. *معرفت فرهنگی اجتماعی*، ۲۶، ۵-۲۲.

عادل‌پور، محمدحسین (۱۳۹۶). بررسی و مقایسه سبک‌های فرزندپروری از دیدگاه اسلام و دانشمندان غربی. *بصیرت و تربیت اسلامی*، ۱۴(۴۳)، ۷۳-۱۰۰.

علی‌اکبری، راضیه و بابایی، سیدابوالفضل (۱۳۹۹). آسیب‌شناسی رفتارهای متضاد والدین در تربیت فرزندان. *فصلنامه ره توشه*، ۱(۲)، ۳۹-۴۸.

عسکری ندوشن، عباس (۱۳۸۸). *آرمان‌گرایی توسعه و تغییرات خانواده (با تأکید بر متغیرهای جمعیتی در ایران)*، مطالعه موردی در شهر یزد. پایان‌نامه دکترای جمعیت‌شناسی، دانشگاه تهران.

نجفی، حسن و محمدی، محمدحسن (۱۳۹۶). تبیین چگونگی تربیت اخلاقی در دوره کودکی و عوامل مؤثر بر آن رهیافتی تأملی جهت سامان‌دهی برنامه‌های تربیتی، *مجله معرفت*، ۲۶(۲۲۷)، ۵۷-۶۹.

- Agllias, K. (2011). No longer on speaking terms: The losses associated with family estrangement at the end of life. *Families in Society: The Journal of Contemporary Social Services*, 92, 107-113.
- Baumrind, D. (1991). Effective Parenting during the early adolescent transition In P. A. Cowan & E. M. Hetherington (Eds.), *Family transitions*, 2, 111-163.
- Branje, S. (2018). Development of parent-adolescent relationships: Conflict interactions as a mechanism of change. *Child Development Perspectives*, 12(3), 171-176.
- Cates, C. B., Weisleder, A. and Mendelsohn, A. L. (2016). Mitigating the effects of family poverty on early child development through parenting interventions in primary care. *Academic pediatrics*, 16(3), S112-S120.
- Colaizzi, P.F. (1978). Psychological research as a phenomenologist views it. In: Valle, R.S. and King, M., Eds., *Existential-Phenomenological Alternatives for Psychology*, New York: Oxford University Press, 48-71.
- Foy-Phillips, P., & Lloyd-Evans, S. (2011). Shaping children's mobilities: expectations of gendered parenting in the English rural idyll. *Children's Geographies*, 9, 379-394.
- Fruzzetti, A. E., Shenk, C., & Hoffman, P. D. (2005). Family interaction and the development of borderline personality disorder: A transactional model. *Development and Psychopathology*, 17(4), 1007-1030.

- Fu, Y.Y., Ji, X.W. (2020). Intergenerational relationships and depressive symptoms among older adults in urban China: The roles of loneliness and insomnia symptoms. *Health Soc Care Community*. 28(4),1310-1322.
- Grevenstein, D., Bluemke, M., Schweitzer, J., & Aguilar-Raab, C. (2019). Better family relationships - higher well-being: The connection between relationship quality and health related resources. *Mental Health & Prevention*, 14, 1-8
- Hagen, K. A. and Ogden, T. (2017). Predictors of changes in child behavior following parent management training: Child, context, and therapy factors. *International Journal of Psychology*, 52(2), 106-115.
- Hammond, S., & Carpendale, J. Helping children help: The relation between maternal scaffolding and children early help. *Social Development*, 24(2), 367-383, 2014.
- Langier, C. (2016). Moral upbringing of children in the context of transformations of modern families: An overview of issues. *Zeszyty Naukowe Wyższej Szkoły Humanitas. Pedagogika*, (12), 147-157.
- Lee, D. & McLanahan, S. (2015). Family structure transitions and child development: Instability, selection, and population heterogeneity. *American sociological review*, 80(4), 738-763.
- Lhendup, C. (2022). Impact of Parenting Style on Children. *Asian Journal of Education and Social Studies*. 61-70.
- Miller, G., Chen, E., & Cole, S. W. (2009). Health psychology: Developing biologically plausible models linking the social world and physical health. *Annual Review of Psychology*, 60, 501–524.
- Nnadozie E.E., Iorfa S.K., & Ifebigh O.O. (2018). Parenting style and religiosity as predictors of antisocial behavior among Nigerian Undergraduates. *J. Soc. Serv. Res*, 44(5), 624–631.
- Pinquar, M., Anton, F. (2021). Associations of parenting styles with moral reasoning in children and adolescents: A meta-analysis. *Journal of Moral Education* 51(2):1-14.
- Rose, J., Roman, N., Mwaba, K. and Ismail, K. (2017). The relationship between parenting and internalizing behaviours of children: A systematic review. *Early Child Development and Care*, 188, 1468–1486.
- Scharp, K.M., Thomas, L. J., & Paxman, C.G. (2015). “It was the straw that broke the camel’s back”: Exploring the distancing processes communicatively constructed in parent–child estrangement backstories. *Journal of Family Communication*, 15, 330–348.
- Smetana, G., Campione-Barr, N., & Metzger, A. (2006). Adolescent development in interpersonal and societal contexts. *Annual Review of Psychology*, 57, 255–284
- Soorya, S., & Sunil, K.V. (2018). Moral socialization: The role of parents. *IAHRW International Journal of Social Sciences*, 6(1), 165-170.
- Zaharan, S. K. (2011). Type of parental socialization across cultures.: A psychoanalysis review. *Scientific Research*. 2(5), 534-526.
- Zang, R. B. (2011). An investigation of maternal personality styles and subjective well-being. *personality and individual differences*, 44(3), 587-597.